

خلافت عمر بن عبدالعزیز اموی



عمر بن عبدالعزیز، هشتمین نفری است که از خاندان بنی‌امیه به خلافت دست یافت. وی گرچه از این طایفه ناحق و ضدولایت است، ولیکن نسبت به خلفای پیش از خود و پس از خود از بنی‌امیه، نام نیکی از خود برجای گذاشت و بسیاری از کردارهای وی، مورد ستایش دوستان و مخالفان بنی‌امیه، از جمله مورخان و سیره‌نگاران اهل سنت قرار گرفته است.

خلافت عمر بن عبدالعزیز اموی در سال 99 هجری قمری

عمر بن عبدالعزیز، هشتمین نفری است که از خاندان بنی‌امیه به خلافت دست یافت. وی گرچه از این طایفه ناحق و ضدولایت است، ولیکن نسبت به خلفای پیش از خود و پس از خود از بنی‌امیه، نام نیکی از خود برجای گذاشت و بسیاری از کردارهای وی، مورد ستایش دوستان و مخالفان بنی‌امیه، از جمله مورخان و سیره‌نگاران اهل سنت قرار گرفته است.

پدرش در سنین کودکی وی وفات یافت و سرپرستی عمر بن عبدالعزیز را عمویش عبدالملك بن مروان (پنجمین خلیفه اموی) بر عهده گرفت و وی را به جمع فرزندان خود افزود و حتی بر برخی از آنان، او را ترجیح می‌داد.

عبدالملك، دختر خود فاطمه را به عقد عمر بن عبدالعزیز درآورد.

عمر بن عبدالعزیز در 25 سالگی از سوی پسرعمویش ولید بن عبدالملك به فرمانداری مکه، مدینه و طائف منصوب گردید و این مقام را از سال 86 تا 93 قمری بر عهده داشت. وی در آغاز فرمانداری خود بر حجاز، ده تن از فقهای برجسته مدینه را گردآورد و آنان را مشاور خود ساخت و به آنان سوگند داد که او را در احقاق حق و نهی از باطل یاری دهند و خود را موظف ساخت که از رایزنی و پیشنهادات آنان، لحظه‌ای غافل نسازد.

سرانجام با حسادت حجاج بن یوسف ثقفی (عامل ولید در عراق) و شکایت وی در نزد خلیفه نسبت به عمر بن عبدالعزیز، مبنی بر این که وی مخالفان دولت بنی‌امیه را در مکه و مدینه پناه می‌دهد و آنان را در ابراز عقیده خویش آزاد می‌گذارد، خلیفه از او ناخرسند شد و وی را در سال 93 قمری، از امارت حجاز معزول ساخت و به جای وی، عثمان بن حیان را منصوب کرد.

اما پس از آن که سلیمان بن عبدالملك، به خلافت رسید، از عمر بن عبدالعزیز دل‌جویی کرد و وی را از مشاوران عالی رتبه خویش قرارداد و تلاش کرد از اندیشه‌ها و نظرات وی پیروی کند.

عمر بن عبدالعزیز بر این عقیده بود که با سفارش‌ها و اندرزهای خویش، سلیمان بن عبدالملك را به اصلاحات وادار و از منکرات و رفتارهای ناپسند بازدارد.

سلیمان بن عبدالملك در دهم و به روایتی در بیستم صفر سال 99 قمری در شهر دابق، در سرزمین قسرین، وفات کرد و در هنگام وفاتش طی وصیت‌نامه‌ای، عمر بن عبدالعزیز را ولی‌عهد و جانشین خود معرفی کرد.

عمر بن عبدالعزیز پس از به دست گرفتن خلافت، نخستین کارش این بود که هر چه از همسرش فاطمه بنت عبدالملك، از قبیل جواهرات، زینت‌آلات، اراضی و دارایی‌های دیگر در نزدش بود به بیت‌المال بازگردانید و به همسرش گفت: من و تو و این اموال در يك خانه نمی‌گنجیم!

ولی هنگامی که وفات کرد و یزید، برادر همسرش به خلافت رسید، همه آن دارایی‌ها را به خواهرش بازگردانید. فاطمه نپذیرفت و گفت: نمی‌خواهم به هنگام زنده بودن همسر از او اطاعت کرده باشم و پس از مرگش نافرمانی کنم. آن‌گاه، یزید همه آن دارایی‌ها را در میان اهل خانه و کسان خود تقسیم کرد.

سرانجام عمر بن عبدالعزیز، پس از دو سال و پنج ماه خلافت، در 39 سالگی بدرود حیات گفت.

تاریخ درگذشت وی، رجب سال 101 و بنا به روایتی جمادی سال 102 هجری قمری در "دیرسمعان" از مناطق شام است.

عمر بن عبدالعزیز، پیش از وفات، به مدت بیست روز بیمار بود و پس از آن وفات کرد و در همان دیر سماعان به خاک سپرده شد.

پس از او، یزید بن عبدالملك به عنوان نهمین خلیفه اموی بر تخت خلافت تکیه زد و آن چه را که عمر بن عبدالعزیز انجام داده بود، همه را دگرگون ساخت، و روش نابخردانه خلفای پیشین بنی‌امیه را در پیش گرفت.